

تأثیر متقابل عوامل فرهنگی اجتماعی و دفاع مقدس*

زهرا پوستینچی^۱

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۲/۲۰

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۱۰/۰۲

چکیده:

عوامل فرهنگی و اجتماعی نقش مؤثری در شکل‌بندی‌های کنش رفتاری بازیگران دارند. نقش عوامل فرهنگی از این جهت اهمیت دارد که زیرساخت‌های رفتار جمعی شهروندان در شرایط جنگ، صلح، رقابت و همکاری‌های منطقه‌ای را منعکس می‌سازد. نقش‌یابی جامعه ایرانی در دوران دفاع مقدس، بدون توجه به شاخص‌ها و نشانه‌های مربوط به فرهنگ ایرانی، اندیشه سیاسی ایران‌شهری و بنیان‌های ایدئولوژی شیعه امکان‌پذیر نمی‌باشد. فرهنگ اجتماعی جامعه ایرانی براساس «رویکرد مقابله با تهدیدات» و «بیگانه‌هراسی» بخش اجتناب‌ناپذیر آن محسوب می‌شود. چگونگی مقابله با تهدیدات بازیگران پیرامونی همواره به عنوان بخشی از نشانه‌های بنیادین فرهنگ سیاسی و اجتماعی ایران بوده است. فرهنگ مقابله با تهدیدات در دوران جنگ تحمیلی کاربرد خود را در روند بسیج گروه‌های اجتماعی منعکس ساخت. ایران توانست از طریق یکپارچه‌سازی ساختاری و بسیج اجتماعی موقعیت خود را در روند جنگ تحمیلی ارتقاء دهد. پرسش اصلی مقاله آن است که «فرهنگ اجتماعی چه نقشی در شکل‌بندی رفتار عمومی جامعه ایرانی در دوران دفاع مقدس داشته است؟» فرضیه مقاله به این موضوع اشاره دارد که «فرهنگ اجتماعی ایران مبتنی بر نشانه‌هایی از بیگانه‌هراسی و مقابله با تهدیدات بوده که در دوران دفاع مقدس منجر به بسیج گروه‌های اجتماعی برای مقابله با تهدیدات گردیده است». متغیر وابسته پژوهش را موضوع «دفاع مقدس» شامل می‌شود. مؤلفه‌های مربوط به فرهنگ مقاومت، بسیج اجتماعی و بیگانه‌هراسی، شاخص‌های متغیر مستقل خواهد بود. در انجام این پژوهش از روش تحلیل محتوا استفاده شده که بر شاخص‌های ارزشی، نگرشی، فرهنگ اجتماعی و الگوی کنش رفتاری جامعه ایران در دوران جنگ تحمیلی تأکید داشته است. در تبیین پژوهش از رهیافت «کنش اجتماعی فرهنگی» کاتزنشتاین در فرآیند بحران‌های راهبردی استفاده می‌شود.

واژگان اصلی: دفاع مقدس، بسیج اجتماعی، فرهنگ مقاومت، بیگانه‌هراسی، کنش متقابل در برابر تهدیدات.

۱. عضو هیات علمی و دانشیار گروه علوم سیاسی، واحد تهران جنوب، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران (نویسنده مسئول)

z_poustinchi@yahoo.com

* این مقاله مستخرج از پروژه پژوهشگاه علوم و معارف دفاع مقدس شهید سپهبد پاسدار حاج قاسم سلیمانی است و از حمایت مادی و معنوی آن برخوردار شده است.

مقدمه

اندیشه سیاسی ایران شهری بر نشانه‌هایی از تمرکزگرایی ساختاری تاکید دارد. اندیشه‌های افلاطونی تاثیر خود را بر قالب‌های اندیشه ایران شهری جامعه و ساخت سیاسی ایرانی به جا گذاشته است. تبعیت از ساخت قدرت برای مقابله با تهدیدات را می‌توان هسته مرکزی چنین اندیشه‌ای دانست. ایدئولوژی شیعه نیز بر نشانه‌هایی از «جهاد و شهادت» تاکید دارد. هر یک از نشانه‌های یادشده، «فرهنگ راهبردی» ایران را شکل داده است. ساخت قدرت سیاسی ایران در سال‌های بعد از پیروزی انقلاب اسلامی بر اساس قالب‌های مفهومی یادشده به وجود آمده است.

ایران برخلاف سایر کشورهای خاورمیانه عربی و خلیج فارس دارای ساختار یکپارچه بوده و از شکل‌بندی‌های لازم برای تثبیت نظام سیاسی خود در دوران‌های مختلف برخوردار بوده است. اقتصاد نفتی ایران در دهه ۱۳۵۰ یکی از عوامل اصلی مهاجرت و حاشیه‌نشینی بوده است. چنین مولفه‌هایی ساخت اجتماعی ایران را تحت تاثیر قرار داده و زمینه شکل‌گیری انقلاب اسلامی را به وجود آورد. در سال‌های بعد از پیروزی انقلاب اسلامی نشانه‌هایی از ظهور «نیروهای گریز از مرکز» به وجود آمد که در دوران دفاع مقدس نقش این گروه‌ها به گونه تدریجی کاهش پیدا کرد.

برخی از نظریه‌پردازان به این موضوع اشاره دارند که نخبگان سیاسی ایران با پایان یک دهه جنگ به مباحثه درباره چند و چون ورود به فضای توسعه وارد شدند. جنگ مانع از ظهور دولت توسعه‌گرا در ایران نشد. ایران در سال‌های بعد از جنگ، تمایل بیشتر برای بهره‌گیری از سازوکارهای مربوط به دولت توسعه‌گرا به نمایش گذاشت. طبقه متوسط ایران دوباره جایگاه بیشتری پیدا کرد. «کوان هریس» در مطالعات خود به این موضوع اشاره دارد که دولت رفسنجانی کوشید در اکثر حوزه‌های اقتصادی که پس از انقلاب در اختیار حاکمیت قرار گرفته بود، مشوق‌های بازارمحور را تزریق کند. اگرچه در اجرای این کار ناکام باقی ماند. با این همه جمهوری اسلامی ایران در دهه ۱۳۷۰ به گونه تدریجی به دولت حداقلی تبدیل شد (هریس، ۱۳۹۸: ۲۵۸).

دفاع مقدس مبتنی بر بسیاری از نشانه‌های فرهنگ اجتماعی و دینی ایران بوده است. فرهنگ ایرانی با نشانه‌هایی از مناسک و شعائر دینی پیوند یافته است. هرگاه جامعه ایران در وضعیت شادی، غم، ماتم و یا حادثه تراژیک قرار می‌گیرد، از قالب‌های مربوط به شعائر دینی خود استفاده می‌کند. حماسه مقاومت در دوران هشت سال جنگ تحمیلی رژیم بعث عراق علیه ملت ایران از ابعاد مختلفی قابل واکاوی و بررسی است و پرداختن به هر بعد از این حماسه بزرگ تاریخی در

هر دوره ای می تواند راهگشای جامعه امروز باشد.

همواره بین شکل‌بندی‌های ساختار داخلی به لحاظ قدرت با فرآیندهای مربوط به تهدیدات منطقه‌ای و بین‌المللی رابطه متقابل وجود دارد. به هر میزان ساخت داخلی با مشکلات بیشتری همراه باشد، طبیعی به نظر می‌رسد که زمینه برای ظهور چالش‌های جدید امنیتی فراهم خواهد شد. هرگونه معادله قدرت می‌تواند تأثیر خود را بر شکل‌بندی‌های سیاست خارجی و امنیتی به جا گذارد. ادراک و احساس کشورهای جهان عرب آن بود که اگر ایران بتواند ساخت داخلی خود را یکپارچه سازد، به‌عنوان تهدیدی برای محیط منطقه‌ای محسوب می‌شود.

۱. کلیات پژوهش

در سال‌های آغازین انقلاب اسلامی، هنوز نهادهای سیاسی و قدرت شکل نگرفته بود. بسیاری از فرایندها در واکنش نسبت به اقدامات انجام شده از سوی گروه‌های مختلف سازماندهی می‌شد. نیروهای گریز از مرکز طیف گسترده‌ای از نخبگانی را تشکیل می‌دادند که درصدد بودند تا ساختار نظام انقلابی را کنترل نموده و یا بر آن تأثیر به جا گذارند. نشانه‌هایی از دوگانگی فرهنگ سیاسی و الگوی کنش گروه‌های درون ساختاری وجود داشت. کنترل تحولات اجتماعی و فرایندهای انقلابی تحت تأثیر نیروهای رقیب سازماندهی می‌شد.

۱-۱. طرح مسأله

مسأله اصلی پژوهش شناخت متغیرهای فرهنگی اجتماعی ایران در دوران دفاع مقدس است. هر یک از این متغیرها ریشه در ساختار عمومی کشور داشته که در طی دوران‌های تاریخی گذشته بازتولید شده است. برخی از نشانه‌های فرهنگی و ایدئولوژیک همانند «مذهب شیعه»، «کربلا»، «مقابله با تهدیدات» و «جهاد و شهادت» نقش محوری در فرهنگ اجتماعی ایران در دوران دفاع مقدس داشته است. مسأله اصلی آن است که هر یک از این متغیرها به چه میزان بر روندهای مقابله با تهدیدات، بسیج اجتماعی و سازوکارهای کنش بازیگران در محیط اجتماعی ایران اثربخش بوده است.

روند تحولات انقلابی منجر به شکل‌گیری فضایی شد که سیاست و الگوی کنش گروه‌های رقیب به گونه تدریجی رادیکالیزه می‌شد. بحران‌های اجتماعی و امنیتی در حوزه‌های مختلف جغرافیایی شکل می‌گرفت. هر یک از گروه‌های سیاسی تلاش داشتند تا نقش نوینی را در معادله

قدرت ایفا نمایند. گروه‌های هویتی تحت تاثیر فضای بی‌ساختاری در حوزه سیاست داخلی از انگیزه فراگیری برای نقش‌یابی سیاسی و امنیتی برخوردار شدند. موج‌های گریز از مرکز از سوی گروه‌هایی شکل می‌گرفت و گسترش می‌یافت که یا دارای مطالبات هویتی بوده و یا اینکه درصدد مقابله با ساختار در حال ظهور بودند.

۲-۱. اهداف پژوهش

تنظیم هر مقاله و پژوهشی معطوف به تحقق اهداف خاصی خواهد بود. هدف اصلی مقاله آن است که زمینه شناخت عوامل فرهنگی اجتماعی مؤثر جامعه ایران در روند دفاع مقدس فراهم گردد. اهداف فرعی پژوهش مربوط به شناسایی تأثیر ارزش‌ها، نگرش‌ها، شاخص‌های فرهنگی و اجتماعی ایران بر «اهداف دفاع مقدس» و «راهبردهای دفاع مقدس» خواهد بود. هر یک از این متغیرها نقش مؤثر و تعیین‌کننده‌ای در شکل‌بندی فرآیندهای دفاع مقدس به‌جا گذاشته و از قابلیت لازم برای بهینه‌سازی «بسیج و سرمایه اجتماعی جامعه ایران» برخوردار خواهد بود.

انجام پژوهش در تبیین رابطه متقابل سیاست داخلی و دفاع مقدس می‌بایست منجر به شناخت تهدیدات فراروی نظام سیاسی ایران در آینده شود. توضیح اینکه تهدیدات ماهیت دائمی و تکرارشونده دارد. هرگونه تهدیدی به شکل کاملاً متفاوتی در آینده ظهور پیدا می‌کند. علت اصلی آغاز جنگ تحمیلی را می‌توان در دو معادله سیاست داخلی و انگیزه‌های کنش تهاجمی بازیگران منطقه‌ای دانست. هرگاه سیاست داخلی کشورها در فضای شکاف ساختاری و جدایی نخبگان قرار گیرد، انگیزه بازیگران منطقه‌ای و قدرت‌های بزرگ برای کسب نتایج راهبردی بیشتر به گونه قابل توجهی افزایش می‌یابد.

۳-۱. نوع پژوهش

مقاله موجود با رویکرد توسعه‌ای و کاربردی تنظیم شده است. در این مقاله بخش قابل توجهی از مطالعات انجام شده ماهیت توسعه‌ای داشته که می‌تواند زمینه‌های ارتقاء مطالعات گذشته در مورد دفاع مقدس را فراهم سازد. مطالعات از این جهت ماهیت کاربردی دارد که براساس شکل‌بندی‌های ساختاری و راهبردی ایران تنظیم گردیده و می‌تواند نقش موثری در ارتقاء قابلیت‌های سازمانی و ساختاری ایران ایفا کند. کاربردی کردن پژوهش به معنای توجه به نیازهای اجتماعی و ساختاری برای ارتقاء قابلیت‌های راهبردی در ایران خواهد بود.

۲. مفاهیم بنیادین کنش اجتماعی ایران در دوران دفاع مقدس

مفاهیمی همانند ایثار، رشادت، مقاومت، از خودگذشتگی و شهادت واژه‌هایی هستند که فقط به واسطه وجود باورهای قوی دینی و اعتقادی خلق شدند و حاکمیت دین در گوشه گوشه هشت سال جنگ تحمیلی و خلق حماسه دفاع مقدس کاملاً مشهود است. در این فرآیند، برخی از شاخص‌های فرهنگی و اجتماعی ایران که الهام‌گرفته از حماسه کربلا و عاشورا بوده، در روند مقاومت در برابر تهدیدات نقش‌آفرین بوده و زمینه پذیرش شهادت توسط گروه‌های اجتماعی ایران در روند جنگ تحمیلی را فراهم آورده است.

۲-۱. ایدئولوژی دفاع مقدس

ایدئولوژی یکی از شاخص‌های اصلی فرهنگ اجتماعی در هر کشوری بوده که تأثیر خود را در روند جنگ تحمیلی به‌جا گذاشته است. انقلاب اسلامی ایران، ایدئولوژی شیعه را بازتولید نموده و آن را در راستای مقابله با تهدیدات ساختاری، منطقه‌ای و بین‌المللی به کار گرفت. نشانه‌های اصلی ایدئولوژی انقلاب اسلامی در مذهب شیعی بوده که بر نشانه‌هایی از شهادت، مقاومت، تحرک اجتماعی، حضور در صحنه‌های نبرد و مقابله با دشمن تأکید داشته است.

بعد دوم ایدئولوژی انقلاب اسلامی بر نشانه‌هایی از تمایز قرار دارد. تمایز را می‌توان در فضای دوستی، دشمنی، تهدیدات و رقابت‌های ژئوپلیتیکی مورد توجه قرار داد. دوگانه‌سازی مفاهیمی همانند «حق و باطل»، «مستضعفین و مستکبرین» و «صدام حسین و کربلا» در زمره نشانه‌های تمایز در ادبیات سیاسی و راهبردی ایران دوران دفاع مقدس بوده است. هر یک از مفاهیم یاد شده بر اساس باورهای دینی و اعتقادات بازتولید شده در فرهنگ اجتماعی ایران به عنوان پشتوانه تحرک جامعه در دوران دفاع مقدس محسوب می‌شود.

فرآیند نبرد در هر کشوری تحت‌تأثیر فرهنگ سیاسی و اجتماعی آن کشور شکل می‌گیرد. ایران از الگوی جنگ تدافعی مبتنی بر شهادت بهره گرفت. رزمندگان در طول هشت سال جنگ تحمیلی با الهام گرفتن از قیام عاشورا و بر اساس مبانی دینی تلاش نمودند تا مفاهیم بنیادین مربوط به انقلاب، جنگ و مقاومت را شکل دهند. در این فرآیند، بسیاری از نوحه‌ها و شعارهایی که رزمندگان در این جنگ می‌خواندند برگرفته از رجزهای قهرمانان کربلا بود، عاشورا همواره الهام بخش رزمندگان بوده است. زیارت عاشورا بخش دیگری از قالب‌های کنش اجتماعی و راهبردی رزمندگان برای مقابله با تهاجم دشمن بوده است.

رفیع‌پور به این موضوع اشاره دارد که ایران دوران جنگ تحمیلی توانست قالب‌های هنجاری خود را براساس آموزه‌های ایدئولوژیک انقلاب اسلامی بازتولید کند، چنین رویکردی در دوران بازسازی و رشد اقتصادی منجر به گسترش تضادهای اجتماعی شد. در نگرش رفیع‌پور، دفاع مقدس عامل ثبات سیاسی و یکپارچگی ساختاری بوده، درحالی‌که رشد شتابان و سازوکارهای مربوط به شوک‌درمانی اقتصادی چالش‌هایی را در فضای اجتماعی و ساختاری ایران در سال‌های بعد از اتمام دفاع مقدس به وجود آورده است (رفیع‌پور، ۱۳۷۷: ۲۳۵).

کتاب توسعه و تضاد فرامرز رفیع‌پور، واقعیت‌های ساخت سیاسی و اجتماعی ایران را در دوران بعد از پیروزی انقلاب اسلامی را تبیین می‌کند. رفیع‌پور توانست نشانه‌هایی را مورد مطالعه قرار دهد که براساس آن زمینه برای تحول ارزشی و هنجاری در سال‌های بعد از دفاع مقدس شکل گرفته است. کتاب توسعه و تضاد مربوط به تحولات ارزشی و هنجاری ایران بعد از دفاع مقدس است. رفیع‌پور توانست مقایسه اجتماعی و هنجاری دوران دفاع مقدس و شرایط بعد از آن را تبیین کند.

۲-۲. خودتکایی و خودکفایی آرمانی در دوران دفاع مقدس

فرهنگ اجتماعی تاثیر خود را در برنامه‌ریزی‌های سازمانی و اقتصادی به جا می‌گذارد. اگر در جنگ اقتصادی روی پای خود بایستیم و از داشته‌های دشمن به نفع خود استفاده کنیم پیروز میدان خواهیم بود. صنعتگران، نخبگان، تولیدکنندگان و مدیران، فرماندهان جنگ اقتصادی هستند که هم باید تولیدکننده باشند و از آنها حمایت شود و هم اینکه با مهندسی معکوس بتوانند به پیشرفته‌ترین تجهیزات برسند. فرهنگ سیاسی و اجتماعی ایران از قابلیت لازم برای نقش‌یابی ایران در حوزه دیپلماسی، روابط خارجی، جنگ و صلح برخوردار است.

همان‌گونه که در صنایع نظامی با مهندسی معکوس توانستیم به پیشرفته‌ترین تجهیزات دست یابیم و در فاصله‌های دور موشک‌های نقطه‌زن را به هدف بزنیم. صنعتگران و تولیدکنندگان با شعار «ما می‌توانیم» در صنایع مختلف می‌توانند ما را به شکوفایی برسانند از این رو ارزش‌ها و تجربیات دفاع مقدس باید به نسل جوان منتقل شود تا با تاسی از ارزش‌های این حماسه بزرگ در جنگ فرهنگی و اقتصادی نیز نقش موثری در روند دفاع مقدس ایفا نمایند.

۲-۳. دفاع همه‌جانبه جامعه ایرانی در جنگ تحمیلی

در مفهوم دفاع مقدس، رهایی و آزادگی نهفته است و دفاع مقدس به ما آموخت که می‌توان برای دین، عقیده، آزادی و وطن جان داد. پایمردی و مقاومت رزمندگان اسلام در دوران دفاع مقدس به واسطه دین‌مداری و دفاع از اعتقادات، بی‌نظیر بود و نباید حماسه دفاع مقدس تحریف شود و این حماسه باید با تمام زوایای آن برای نسل جدید بازگو شود. هشت سال دفاع مقدس و آثار جاودانه آن متعلق به همه است و دفاع مقدس گنجینه‌ای است که همه آحاد جامعه ایرانی باید از آن برخوردار باشند و ارزش‌های آن متعلق به جامعه ایران است.

بسیاری از ایرانیان در دوران دفاع مقدس نقش موثر و مشارکتی داشته‌اند. به طور کلی می‌توان به این موضوع اشاره داشت که دفاع مقدس یک برهه از تاریخ ایران بوده است. در دوران دفاع مقدس، رزمندگان برای منافع جناح خاصی به میدان نرفتند بلکه برای اعتقادشان و حفظ وطن از تعرض به میدان رفتند و در حال حاضر نیز راه حل بازگشت به همبستگی ملی در گسترش مفهومی به نام «دگرخواهی» نهفته است و برای این همبستگی باید بیاموزیم که در جامعه مدرن به شهروندان و همه هموطنان خود به چشم دیگری نگاه نکنیم.

۲-۴. راهبرد مقاومت در کنش ژئوپلیتیکی

یکی دیگر از مفاهیم و نشانه‌های کنش اجتماعی ایران در دوران دفاع مقدس بهره‌گیری از سازوکارهای مقاومت در فضای راهبردی بوده است. مقاومت به مفهوم بهره‌گیری از سازوکارهای قدرت اجتماعی در برابر قابلیت‌های ساختاری و ابزاری عراق محسوب می‌شود. نشانه‌های اجتماعی ساخت دفاعی ایران در دوران دفاع مقدس براساس چند متغیر بنیادین شکل گرفت. اولین متغیر را می‌توان مربوط به «راهبرد دفاعی» دانست. متغیر دوم معطوف به نشانه‌های «کنش ژئوپلیتیکی» بوده است. متغیر سوم تاثیرگذار بر روند دفاع مقدس را می‌توان براساس جهت‌گیری ساختاری «نهادهای نظامی» مورد توجه قرار داد. هر یک از مفاهیم یاد شده تاثیر خود را در روند دفاع مقدس به جا گذاشت.

مقاومت در فضای اجتماعی ایران محور اصلی راهبرد دفاعی کشور را شکل داد. این راهبرد توانست در سطحی وسیع و فراگیر یک راهبرد دفاع همه‌جانبه بوده و می‌تواند در سطح دیگر در

راهبردهای نظامی تلخیص گردد و یک جنگ را هدایت و راهبری نماید. هرگونه مقاومت براساس نشانه‌هایی از کنش سیاسی و تاکتیکی انعکاس یافته است. کنش تاکتیکی جامعه ایران در دوران دفاع مقدس مبتنی بر بسیج نیروهای اجتماعی جهت مقابله با تهدیداتی بود که با مفاهیم ایدئولوژیک و اجتماعی پیوند یافت.

بسیاری از نشانه‌های مفهومی راهبرد مقاومت را می‌توان در اندیشه «سون تزو» و در کتاب «هنر جنگ» مشاهده نمود. لیدل هارت و ادوارد لوتواک و دیگران که از راهبرد سخن می‌گویند، خود صبغه نظامی دارند. با وجود این باید بتوان این حوزه را از حوزه «راهبرد دفاعی» متمایز ساخت. شاخص‌های تمایز میان این دو حوزه بیش از هر چیز دیگری در ابزار، اهداف و روش‌ها، قابل تحلیل و تبیین است. راهبرد مقاومت تاثیر خود را بر اهداف دفاعی ایران برای حداکثرسازی منافع حیاتی و حفاظت از حوزه سرزمینی و ساختاری به جا گذاشت.

راهبرد مقاومت در دوران دفاع مقدس براساس نشانه‌هایی از «دفاع منطقه‌ای» شکل گرفته که مبتنی بر چهار محور بنیادین، «دفاع» و «بازدارندگی راهبردی»، «حضور پیش‌تازانه»، «پاسخ به بحران‌ها» و «بازسازی و اعاده عناصر قدرت» بوده است. محور اصلی راهبرد دفاعی ایران در دوران جنگ تحمیلی را حفظ ارزش‌های حیاتی و منافع ملی شکل داده است. در این فرآیند، مفاهیمی همانند «تدبیر» و «مصلحت» در زمره شاخص‌های اصلی تاثیرگذار بر راهبرد دفاعی و مقاومت ایران محسوب شده که تحت تاثیر مولفه‌های ژئوپلیتیکی و موازنه قدرت قرار گرفت.

۲-۵. هویت انقلابی و استقلال ملی

یکی دیگر از مفاهیم بنیادین تاثیرگذار بر دفاع مقدس را می‌توان توجه به مفاهیمی همانند هویت انقلاب، استقلال ملی و مقابله با تهدیدات دانست. در این ارتباط، شاهد نفی سلطه‌گری و سلطه‌پذیری در سیاست خارجی و انگاره اجتماعی جامعه ایران بوده‌ایم. جامعه ایرانی در برابر حمله نظامی عراق مقاومت کرد. مقاومت جامعه ایرانی براساس شاخص‌های هویت انقلابی و استقلال ملی شکل گرفت. هویت انقلابی مبتنی بر مقاومت در برابر کنش تهاجمی عراق بوده است. هر انقلاب سیاسی به گونه اجتناب‌ناپذیر از قابلیت لازم برای تولید هویت برخوردار بوده و هویت‌ها عامل انسجام و تداوم انقلاب‌ها خواهند بود.

هویت انقلابی دارای رویکرد و جهت‌گیری فرامحیطی است. انقلاب و هویت انقلابی گرایش به

گسترش در محیط پیرامونی دارد. هویت انقلابی ایران می‌توانست تأثیر خود را در جنبش‌های اجتماعی دهه ۱۹۸۰ به جا گذارد. جنگ تحمیلی را می‌توان در زمره سازوکارهایی دانست که زمینه کنترل نیروهای گریز از مرکز را اجتناب‌ناپذیر می‌ساخت. هویت انقلابی به گونه اجتناب‌ناپذیر تأثیر خود را در چگونگی بسیج گروه‌های اجتماعی ایران و نقش‌یابی بازیگران در محیط منطقه‌ای به جا گذاشت.

ساخت سیاسی و اجتماعی ایران در دوران دفاع مقدس تابعی از «هویت انقلاب اسلامی» و «هویت مقاومت» بوده است. هر یک از نشانه‌های یادشده تأثیر خود را در الگوی کنش گروه‌های اجتماعی، نهادهای سیاسی و کارگزاران حکومتی به جا می‌گذارد. هویت انقلابی براساس رهیافت‌های تحول شکل‌بندی‌های انقلاب، با نشانه‌هایی از رقابت پیچیده و درهم‌تنیده گروه‌های سیاسی و انقلابی پیوند خورده بود. هویت انقلابی می‌توانست زیرساخت‌های لازم برای کنش سیاسی گروه‌های رقیب را به وجود آورد.

۳. روان‌شناسی اجتماعی دفاع مقدس

یکی از شاخص‌های تأثیرگذار در فرآیندهای تحول اجتماعی و سیاسی کشورها را موضوع مربوط به روان‌شناسی اجتماعی تشکیل می‌دهد. روان‌شناسی اجتماعی ایران در دوران جنگ تحمیلی تابعی از شاخص‌های ارزشی، انگیزشی، احساسات و قالب‌های ادراکی شهروندان است. هر یک از مولفه‌های یاد شده تحت تأثیر فرآیند دفاع مقدس بازتولید شده و شکل جدیدی از کنش رفتاری را به وجود می‌آورد. روان‌شناسی اجتماعی ایران براساس مولفه‌های کنش گروه‌های اجتماعی مرتبط با جنگ تحمیلی تعریف می‌شود.

یکی از شاخص‌های بنیادین دفاع مقدس را می‌توان در شکل‌گیری عوامل و شاخص‌های ارزشی دانست که زمینه لازم برای بازتولید مشارکت اجتماعی را فراهم می‌کند. معیارهای ارزشی در هر کشوری بر اساس قالب‌های فرهنگی، هنجاری و ساختاری متفاوت خواهد بود. بر اساس نظر «شوارتز»، ارزش‌ها، اهداف فراموقعیتی هستند که به‌عنوان اصول راهنما در خدمت زندگی فرد یا گروهی قرار داشته و اهمیت متفاوتی دارند (Schwartz, 1994: 81).

با توجه به اینکه ارزش‌ها به‌عنوان اهداف بنیادین شوارتز در ایجاد معیارهای ارزشی در نظر گرفته می‌شوند، بنابراین ابعاد ارزشی و ارزش‌های تشکیل‌دهنده آنها بر اساس سه ملاک از هم تشخیص داده می‌شوند. ابعاد ارزشی مورد نظر شوارتز از این جهت اهمیت دارد که زیرساخت‌های

لازم برای کنش ارتباطی جامعه و دفاع مقدس را فراهم می‌سازد. همواره بین ارزش‌های ذهنی شهروندان و قالب‌های کنش انگیزشی آنان در حوزه‌های مختلف از جمله الگوی رفتار ایرانیان در روند دفاع مقدس تأثیرگذار بوده است (فاطمی و اسلامی فارسانی، ۱۳۹۷: ۱۲۵).

۱-۳. تحرک اجتماعی در دفاع مقدس

انقلاب‌های سیاسی عموماً تأثیر خود را در فضای تحرک اجتماعی به جا می‌گذارند. هر انقلاب به گونه‌ای اجتناب‌ناپذیر با مفاهیمی همانند مشارکت توده‌ای پیوند داشته است. حکومت جدید پس‌انقلابی به اتکای این موج بسیج اجتماعی که یکی از بزرگترین اعتراضات توده‌ای در سده بیست بود، به قدرت رسید و با مطالبات از پایین به بالایی نیرومندتر و گسترده‌تر از سال‌های اولیه دولت‌سازی پهلوی مواجه شد. علاوه بر این، طولی نکشید که جمهوری اسلامی ایران متحمل خطر انزوای ژئوپلیتیک توسط قدرت‌های بزرگ، محدودیت منابع درآمدی و جنگی شد که بقایش را نشانه رفته بود (هریس، ۱۳۹۸: ۳۷۱).

این حوادث همزمان نخبگان حکومت را واداشت تا به درون بنگرند و مردم را برای دفاع از کشور، نهادسازی و تأمین امنیت برانگیزانند. میلیون‌ها تن به خواست حکومت لبیک گفتند و در زمان جنگ به طرق مختلف وارد میدان شدند چه در قالب نهادهای نظامی و چه نهادهای انقلابی که به کل کشور اشاعه یافته بود. میلیون‌ها تن دیگر نیز به مقتضای جنگ و فراخوان حکومت برای مقابله با توطئه‌های ضد انقلاب که می‌توانست بنیان‌افکن باشد، آماده بودند به این صف بپیوندند.

بقای حکومت جدید صرفاً به ایدئولوژی برانگیختگی توده‌ها، نیروی قهریه و کاریزما بسته نبود. قاعدتاً پای خدمات اجتماعی نیز در میان بود. بسته جنگ - رفاه نهادهای اجتماعی آمیزه‌ای بود از فشار اجتماعی، وعده‌های حکومت و رقابت نخبگان جدید با یکدیگر. این دولت رفاه اینارگران معمولاً برای ناظران غربی ناآشنا است. برخی از بخش‌های آن مثل بنیادها در کنار کارکرد رفاهی، فعالیت اقتصادی هم دارند اما غالباً از این نکته غفلت می‌شود که این نهادها بخش بزرگی از مردم را که مطرود نظام رفاه صنف‌گرای پهلوی بودند زیر پوشش خود گرفتند.

نشانه‌های ایدئولوژی سیاسی را می‌توان در بسیج عمومی شهروندان در فضای دفاع مقدس مشاهده نمود. بسیاری از نظریه‌پردازان به این موضوع اشاره دارند که جنگ رشته پیوند جدیدی میان حکومت و جامعه ساخت و بسیج مردمی را نهادینه کرد. علاوه بر این، بستری هم شد برای

انشعاب جناحی و سپس تشدید رقابت نخبگان در دهه ۱۳۷۰. طبق روال معمول انقلاب‌ها و جنگ‌ها، از سال ۱۳۵۷ به بعد، تحرک صعودی در ساختار اجتماعی ایران شدت گرفت. زنان و مردان فقیری پیش از انقلاب نادیده گرفته می‌شدند، فرصت جدیدی یافتند و غالباً تصمیم گرفتند شرایط زیستی خود را بهتر از والدینشان کنند.

۲-۳. بسیج اجتماعی و خدمات عمومی در دوران دفاع مقدس

کوان هریس در مطالعات خود به این موضوع اشاره دارد که نظام سیاسی ایران به گونه حرفه‌ای توانست فضای مشارکت سیاسی را در تمامی حوزه‌ها حفظ نماید. مشارکت شهروندان در روند دفاع مقدس می‌توانست براساس آموزه‌های ایدئولوژیک، انگیزه‌های درونی و تحرک فراگیر شهروندان در مقابله با تهدیدات دشمن حاصل شود. اعطای امتیازات را می‌توان یکی از عواملی دانست که انگیزه شهروندی برای تحرک در فضای اجتماعی و مشارکت در جنگ تحمیلی را فراهم آورد (هریس، ۱۳۹۸: ۳۷۳).

اینگونه از شهروندان توانستند بین آموزه‌های ایدئولوژیک و انگیزه‌های درونی خود با الگوی کنش مشارکتی نظام سیاسی در روند دفاع مقدس همبستگی ایجاد کنند. بسیاری از گروه‌های اجتماعی به‌ویژه جوانان احساس می‌کردند که آنان پس از مشارکت با نهادهای جدید قادر خواهند بود تا خود را با ضرورت‌های اجتماعی دوران جنگ تحمیلی تطبیق دهند. تطبیق‌پذیری جوانان و گروه‌های اجتماعی، زمینه اعطای برخی از خدمات عمومی را برای آنان فراهم می‌کرد. صرفاً براساس چنین فرآیندی بود که شرایط برای گسترش بسیج اجتماعی، بهره‌گیری از خدمات عمومی و بهینه‌سازی سازمان رزم در روند دفاع مقدس شکل گرفت.

۳-۳. مشارکت اجتماعی شهروندان در دفاع مقدس

مفاهیم ارزشی مشارکت شهروندان در دفاع مقدس براساس قالب‌های فرهنگ سیاسی ایران در سال‌های بعد از انقلاب اسلامی معنا پیدا می‌کند. هر دوران تاریخی دارای شاخص‌ها و الگوهای خاصی از الگوی مشارکت شهروندی در فضای موضوعات راهبردی خواهد بود. ابعاد انگیزشی ارزش‌ها عبارتند از «خیرخواهی»، «سنت»، «هم‌نویی»، «امینیت»، «قدرت»، «موفقیت»، «برانگیختگی»، «لذت‌طلبی»، «خودتکایی» و «جهان‌گرایی» که با توجه به تحقیقات انجام شده شوارتز، در تمام

فرهنگ‌ها وجود داشته و نسبتاً دارای معانی یکسانی است. تقسیم‌بندی ارزش‌ها بر اساس منافع، اهداف و قالب‌های ارزشی انجام می‌گیرد.

هر یک از سه مولفه یاد شده دارای شاخص‌های خاص خود در تبیین ارزش‌هایی است که زمینه برای مشارکت گروه‌های اجتماعی در دوران دفاع مقدس را فراهم آورده است. نخست آنکه ارزش‌ها ممکن است در خدمت «منافع فردی و جمعی» باشند. دوم آنکه ارزش‌ها ممکن است «ارزش‌های ابزاری و غایی» باشند. سوم آنکه لازم است تا ۱۰ بعد «ارزش‌های انگیزشی» مورد توجه قرار گیرد که برخاسته از سه نیاز اساسی بشر یعنی نیازهای زیست‌شناختی، نیاز به تعامل اجتماعی و نیازهای اساسی و رفاهی هستند (Schwartz & Stajic, 2000:64).

اینکلهارت مفهوم کمیابی در مشارکت اجتماعی شهروندان در حوزه‌های سیاسی، امنیتی و راهبردی را مورد بررسی قرار داده است. اینکلهارت به این موضوع اشاره دارد که در هر دوران تاریخی، گروه‌های اجتماعی انگیزه تغییر یابنده‌ای برای مشارکت در حوزه رفتاری خاصی پیدا می‌کنند. مشارکت گروه‌های اجتماعی ایران در روند دفاع مقدس ماهیت انگیزشی داشته است. کنش انگیزشی شهروندان از این جهت اهمیت دارد که می‌تواند زیرساخت‌های لازم برای مشارکت آنان در برخی از نقاط عطف تاریخی را فراهم آورد.

۳-۴. کنش انگیزشی و هنجاری در دوران دفاع مقدس

کنش انگیزشی در هر جامعه‌ای تحت تأثیر قالب‌های فرهنگی، اجتماعی و ساختاری انجام می‌گیرد. جوامعی همانند ایران عموماً کنش ساختاری و راهبردی خود را بر اساس قالب‌های ارزشی و معنایی تعریف می‌کنند. ناسیونالیسم در کشورهای صنعتی غرب از اعتبار بیشتری برای بسیج گروه‌های اجتماعی برخوردار بوده است. «رونالد اینکلهارت» به منظور تعیین این تغییرات ارزشی و فرهنگی، دو فرضیه پیش‌بینی‌کننده این دگرگونی‌های ارزشی را مطرح می‌کند.

اینکلهارت «فرضیه کمیابی» و «فرضیه اجتماعی شدن» را در ارتباط با چرخش فرهنگی بیان می‌کند. گام نخستین مشارکت گروه‌های اجتماعی در دوران دفاع مقدس بر اساس فرضیه کمیابی تنظیم شده درحالی‌که چنین فرآیندی به گونه تدریجی منجر به اجتماعی شدن مشارکت شهروندان در روند دفاع مقدس گردیده است. فرضیه کمیابی که در آن اولویت‌های فرد، بازتاب محیط اجتماعی و اقتصادی‌اش است؛ به گونه‌ای که شخص بیشترین ارزش‌های ذهنی را به آن چیزهایی می‌دهد که عرضه آن نسبتاً کم است.

نقش‌یابی گروه‌های اجتماعی در هر موضوع اقتصادی و راهبردی براساس قالب‌های انگیزشی نوظهور حاصل می‌شود. اینگلهارت بین انگیزش‌های اجتماعی، مشارکت و اهداف عمومی نظام سیاسی برای تحقق اهداف تاکتیکی خاص رابطه برقرار می‌کنند. فرضیه اجتماعی شدن که در آن، ارزش‌های اصلی شخصی تا حد زیادی، بازتاب سال‌های قبل از بلوغ وی است. این دو فرضیه با هم بر این امر دلالت دارند که در نتیجه رونق اقتصادی بعد از جنگ جهانی دوم، نسل جوان‌تر اهمیت کم‌تری به امنیت اقتصادی و جانی می‌دهد و اولویت بیشتری به نیازهای غیرمادی مانند کیفیت زندگی و درک عمومی می‌دهد (اینگلهارت، ۱۳۸۲: ۳).

۴. تأثیر ساخت سیاسی انقلابی در دفاع مقدس

یکی دیگر از نشانه‌های اصلی ساخت دولت در ایران را باید براساس نشانه‌هایی از مردم‌گرایی تبیین نمود. منوچهر دراج در مطالعات خود به این موضوع اشاره دارد که: «مردم‌گرایی پوپولیستی جزء دیگری از ایدئولوژی انقلابی ایران محسوب می‌شود که در دوران انقلاب و پس از آن نقش مؤثری در بسیج گروه‌های اجتماعی داشته است. رویکردهای مردم‌گرایانه در جنبش اجتماعی و ساخت دولت ایران در بسیاری از موارد در مقابله با نظام سرمایه‌داری و امپریالیسم تبیین شده است. طبعاً نظام سرمایه‌داری دارای عناصر داخلی مربوط به خود بوده که در قالب دوگانه‌سازی مستکبران و مستضعفان، فقرا و اغنیاء، محرومین و مرفهین بی‌درد تعریف شده است» (Dorraj, 1990: 14).

ساختار اجتماعی رابطه درهم تنیده‌ای با ساخت دولت دارد. تحول دولت در ایران تابعی از فرآیندهای تغییر الگویی و هنجاری مربوط به ساختار اجتماعی است. نظریه‌پردازانی همانند «نوربرت الیاس» به این موضوع اشاره دارد که حتی دولت فئودالی با ساختار اجتماعی و الگوی تولید اقتصادی آن پیوند داشته است. تحول در شکل‌بندی و ابزار تولید اقتصادی، زمینه دگرگونی در ساختار اجتماعی را به وجود می‌آورد. ساختار اجتماعی عامل پیوند حوزه همبستگی ساخت دولت، دیپلماسی و ارتش با حوزه اجتماعی است (بدیع و بیرن‌بوم، ۱۳۸۷: ۱۳۰).

در نگرش «وبر» و «لفت‌ویچ» دولت مدرن اساساً ماهیت غربی دارد. ویژگی دولت به‌لحاظ اقتدار در سنخ‌شناسی دولت وبری مورد بررسی قرار گرفته است. دولت مدرن از این جهت ماهیت عقلانی دارد که از اقتدار سستی و «اقتدار پاتریمونیال» فاصله می‌گیرد. در دولت وبری، حاکمیت پاتریمونیال نمی‌تواند مبنای اصلی دولت در قالب تمایز ساختاری و عامل کنترلی برای تقسیم کار اجتماعی و اقتصادی باشد. به همین دلیل است که دولت را از ساخت پاتریمونیالی جدا می‌سازد (لفت‌ویچ، ۱۳۸۵: ۱۲۴).

دفاع مقدس زمینه‌های لازم برای شکل‌گیری دولت فراگیر را به وجود آورد. دولت فراگیر از ویژگی‌های ساختاری، فرهنگی و اجتماعی بسیج‌گرا برخوردار است. ساخت دولت در اندیشه هابزی ماهیت فراگیر دارد. «ژان بُدن» نیز موضوع حاکمیت را مطلق و فراگیر می‌داند. برخی از نظریه‌پردازانی همانند «رابرت لوی» به این موضوع اشاره دارد که عناصر اصلی دولت که مبتنی بر اقتدار فراگیر است، حتی در جوامع ابتدایی نیز وجود داشته است. در این ارتباط، نظریه‌پردازان دیگری همانند «ساموئل آیزنشتاد» نشانه‌هایی از تکامل‌گرایی را در ارتباط با دولت تبیین می‌کند. در عصر جدید، زمینه برای شکل‌گیری «دولت رفاه» به‌وجود آمده است (بدیع و بیرن بوم، ۱۳۸۷: ۷۳).

۴-۱. نخبگان سیاسی و دفاع مقدس

نخبگان سیاسی در هر کشوری نقش تعیین‌کننده‌ای در تحول ساخت دولت دارد. اگرچه نظریه‌پردازان جامعه‌شناسی سیاسی، برای ساخت دولت و «پارادایم قدرت» اصالت بیشتری از نخبگان قائل هستند. واقعیت آن است که رابطه متقابل بین ساخت دولت، نخبگان و پارادایم قدرت در روند تحول سیاسی و اجتماعی به‌عنوان نیروی تأثیرگذار محسوب می‌شود. ترکیب نخبگان سیاسی در زمره عواملی است که رابطه قدرت، حکومت و تحول سیاسی را امکان‌پذیر می‌سازد.

خصلت نخبگان سیاسی در ایران براساس «شبکه ارتباطی نخبگان» مورد بررسی قرار گرفته است. ویژگی اصلی نخبگان سیاسی ایران را می‌توان گرایش بنیادین به پارادایم قدرت دانست. تغییر در انگاره نخبگان با پارادایم قدرت ارتباط مستقیم دارد. در این ارتباط می‌توان نشانه‌هایی از «مقاومت خاموش»، «فقدان اعتقاد» و نشانه‌هایی از «بدگمانی» را به‌عنوان محورهای اصلی کنش نخبگان در ایران دانست. رویکردی که در بررسی‌های افرادی همانند لئونارد بایندر مورد تأکید قرار گرفته است (زونیس، ۱۳۸۷: ۲۰).

کارگزاران سیاسی و فضای ساختاری ایران در سال ۱۳۵۹ براساس نشانه‌هایی از مقاومت در برابر جنگ تحمیلی قرار داشت. در این دوران، بنی‌صدر به عنوان اولین رئیس‌جمهور اسلامی ایران از سوی امام خمینی (رحمه‌الله علیه) به عنوان جانشین فرمانده کل قوا نیز منصوب شده بود. بنی‌صدر دارای رویکرد بوروکراتیک برای مقابله با تهدیدات نظامی، دیپلماتیک و امنیتی بود. چنین رویکردی با واقعیت‌های دوران دفاع مقدس که زیرساخت‌های جامعه انقلابی را شکل داده بود، هماهنگی نداشت. به همین دلیل است که زمینه برای جابه‌جایی قدرت به وجود می‌آید.

۴-۲. تدبیر و عملگرایی مدیریت دفاع مقدس

جابه‌جایی قدرت را می‌توان انعکاس نیاز ساختاری به کارگزارانی دانست که با ضرورت‌های راهبردی کشور پیوند برقرار نمایند. مقابله با تهدیدات نیازمند بهره‌گیری از ادبیات ساختاری و اندیشه‌های راهبردی سازمان‌یافته خواهد بود. برخی از کارگزاران اجرایی ایران دارای قالب‌های اندیشه‌ای متفاوتی با فضای عمومی جنگ بوده‌اند. به همین دلیل است که آنان نتوانستند خود را با ضرورت‌های ساختاری جنگ هماهنگ نمایند. «کنفوسیوس» به این موضوع اشاره دارد که «در زندگی اجتماعی، حیله و مکر وجود دارد. جنگ‌ها از این نشانه‌ها برمی‌خیزند. درک بنیادین نسبت به واقعیت سیاست منجر به ظهور رهبران عملگرا خواهد شد.»

به هر میزان که رهبران از فضای عملگرایی فاصله بگیرند، طبعاً موقعیت خود را در ساختار از دست می‌دهند. ابوالحسن بنی‌صدر اولین رئیس‌جمهور اسلامی ایران که با رای عدم کفایت مجلس روبه‌رو شد، در پاریس کتابی را با عنوان «خیانت به امید» منتشر نمود. بنی‌صدر در صدد بود تا توضیح دهد که می‌توانست به عنوان «امید بوروکراتیک انقلابی» ساختار سیاسی ایران ایفای نقش کند. در حالی که گروه‌های رقیب با سیاست‌های وی هماهنگی نداشته و در نتیجه زمینه گسترش بحران‌های سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و امنیتی علیه وی را به وجود آوردند. هرگاه بحران سیاسی گسترش یابد، طبیعی است که کارگزاران می‌بایست از قابلیت لازم برای مدیریت بحران‌های سیاسی، انتظامی و امنیتی برخوردار باشند.

۵. طبقات اجتماعی و دفاع مقدس

طبقات اقتصادی به‌عنوان نیروهایی محسوب می‌شوند که در حوزه سیاست، امنیت و کنش اجتماعی در دوران دفاع مقدس نقش آفرین بوده‌اند. هر طبقه اقتصادی بر اساس میزان درآمد و تولید سرانه از لایه‌های دیگر تفکیک می‌شود. نظریه دیگری درباره فرآیندهای تحول دولت در ایران وجود دارد که معطوف به رقابت سیاسی بین جناح‌های رقیب و ضرورت نیل به تعادل می‌باشد. چنین رهیافتی بر تداوم رقابت بین جناح‌های رقیب تأکید داشته و از سوی دیگر به این جمع‌بندی می‌رسد که مصالحه و پذیرش تحول بخشی از ضرورت تداوم ساختار سیاسی در ایران محسوب می‌شود. جهانگیر آموزگار هرگونه تحول گفتمانی در ایران را براساس شکل خاصی از نظام اقتصادی و توزیع قدرت بین بازیگران تبیین می‌کند (Amuzegar, 1992: 415).

طبقه متوسط اجتماعی در روند دفاع مقدس نقش مشارکتی ایفا نموده است. به طور کلی، انگیزه طبقه متوسط برای مشارکت سیاسی و ساختاری بیش از سایر طبقات اجتماعی بوده و به همین دلیل آنان از جایگاه موثری برای بسیج نیروهای اجتماعی برخوردار بودند. طبقه متوسط در دوران‌های مختلف تاریخی نقش محوری برای بازتولید گفتمان سیاسی جدید را ایفا نموده است. علت آن را باید در نقش مرکزی طبقه متوسط برای ارتباط با نظام اجتماعی، ساخت دولت و الگوهای کنش طبقات مرتبط با نظام سیاسی دانست. طبیعی است که طبقه متوسط در دوران‌های مختلف تاریخی از انگیزه لازم برای ایفای نقش سیاسی و کنش اجتماعی مؤثر برخوردار است (موتقی، ۱۳۸۷: ۱۵۳).

۱-۵. نقش‌یابی طبقه متوسط در دفاع مقدس

انقلاب اسلامی ایران مانند بسیاری از تحولات انقلابی کشورهای مختلف از قابلیت لازم برای ائتلاف و همبستگی گروه‌ها و لایه‌های اقتصادی و اجتماعی با عقاید و رویکردهای ناهمگون برخوردار بوده است. اگرچه برخی از انقلاب‌ها دارای رویکرد و ایدئولوژی مذهبی بوده‌اند، اما شکل‌گیری حکومت روحانیت در ایران ماهیت منحصر به فرد داشته است. حکومت دینی پدیده‌ای جدید در فرآیند تحول انقلابی و شکل‌گیری ساخت دولت در کشورهای در حال گذار محسوب می‌شود (کدی، ۱۳۸۳: ۱۵).

طبقه متوسط در روند تحول انقلابی ایران نقش مؤثر و تعیین‌کننده‌ای داشته است. برخی از پژوهشگران انقلاب ایران اصالت بیشتری برای طبقه متوسط قائل هستند. در حالی که برخی دیگر نیروهای حاشیه‌ای و گروه‌های فرودست را محور اصلی کنش سیاسی در ایران می‌دانند. به هر ترتیب، انقلاب اسلامی ایران برخلاف انقلاب چین در زمره «انقلاب‌های شهری» محسوب می‌شود. در انقلاب‌های شهری طبقه متوسط نقش محوری و تعیین‌کننده‌ای دارد. در بسیاری از فرآیندهای تحول دولت در ایران بعد از انقلاب اسلامی، نقش طبقه متوسط در تولید گفتمان‌های جدید بسیار تعیین‌کننده بوده است.

۲-۵. نهادهای اجتماعی و دفاع مقدس

در سال‌های آغازین انقلاب اسلامی و در شرایطی که جنگ تحمیلی آغاز گردید، هنوز نهادهای سیاسی و ساخت‌های قدرت نهادینه شده شکل نگرفته بود. گروه‌های سیاسی رقیب هر یک تلاش

داشتند تا موقعیت خود را به گونه ارتقا دهند که نشانه‌هایی از «بازی با حاصل جمع صفر» مشاهده می‌شد. شکاف‌های سیاسی در ساختار اجتماعی ایران به گونه تدریجی افزایش می‌یافت. بحران سیاسی با واقعیت‌های ساخت انقلابی در دوران پس از سقوط گروه‌های لیبرال در اندیشه کرین بریتون هماهنگی داشت.

نظریه پردازان جنگ به این موضوع اشاره دارند که یکی از دلایل شکل‌گیری انگیزش کنش تهاجمی صدام حسین برای اقدام نظامی علیه ایران، «گسترش شکاف اجتماعی» سال‌های بعد از پیروزی انقلاب اسلامی بوده است. بسیاری از گروه‌های انقلابی تلاش داشتند تا در معادله قدرت نقش بایی هژمونیک پیدا کنند. گروه‌های مسلح مخالف حکومت شاه هنوز از استراتژی جنگ مسلحانه و انگیزه کنش انقلابی برای بسیج گروه‌های اجتماعی برخوردار بودند.

۳-۵. هنجارهای آرمانی و دفاع مقدس

نیکی کدی محور اصلی شکل‌گیری انقلاب ایران را براساس اندیشه‌های دینی و ادبیات سیاسی روشنفکرانی بررسی نمود که از سال‌های واپسین قرن ۱۹ در حوزه تحولات سیاسی ایران نقش داشته‌اند. کدی به این موضوع اشاره دارد که روشنفکران و گروه‌های مذهبی از دهه ۱۹۶۰ به بعد، روند توسعه و مدرنیته در ایران را مورد انتقاد قرار دادند. جلال‌آل‌احمد و شریعتی مساله مربوط به هویت فرهنگی را برجسته نمودند. اندیشه چنین افرادی را می‌توان در کتاب‌هایی همانند «غربزدگی»، «خدمت و خیانت روشنفکران»، جلال‌آل‌احمد و «بازگشت به خویشتن» شریعتی جستجو نمود. هر یک از روشنفکران یاد شده تلاش داشتند تا رابطه‌ای بین دین، سیاست، طبقه متوسط و کنش انتقادی در ایران را گسترش دهند (کدی، ۱۳۶۹: ۳۰۵).

۶. رقابت‌های جناحی و چرخش گفتمانی

در ماه‌های آغازین دفاع مقدس نشانه‌هایی از رقابت جناحی در ایران شکل گرفته و این امر زمینه بازتولید قالب‌های گفتمانی را اجتناب‌ناپذیر می‌ساخت. جامعه ایرانی در دوران انقلاب و دفاع مقدس با نشانه‌هایی از مشارکت سیاسی فزاینده روبه‌رو شده و این امر تضادهای نهفته بین جریان‌ها و جناح‌های سیاسی را افزایش داد. براساس نگرش لاکلائو هرگونه تغییر گفتمانی در ساخت دولت و جناح‌های سیاسی ایران را می‌توان به‌عنوان نشانه‌ای از «تحول انقلابی زمانه ما» دانست.

نشانه‌های اصلی بازتولید گفتمانی در ایران مربوط به شرایطی است که دولت و جناح‌بندی سیاسی در فضای ابهام قرار می‌گیرد. به همین دلیل است که گروه‌های اجتماعی با هیجان فراگیر وارد فضای رقابت‌های انتخاباتی می‌شوند. گروه‌های اجتماعی می‌توانند زمینه‌های لازم برای تحول در دولت را ایجاد کنند. لاکلائو پیامدهای ازجاشدگی را در نشانه‌هایی همانند «موقتی و زمانی بودن»^۱، «امکان‌پذیری»^۲ و «آزادی»^۳ بیان می‌دارد که مبتنی بر فقدان ساختار عینیت‌یافته خواهد بود (Laclau, 1990: 42).

۱-۶. انسجام‌بخشی و کنترل مناقشه در دوران دفاع مقدس

ساخت دولت در سال‌های آغازین انقلاب اسلامی ماهیت پراکنده و پرمناقشه داشته است. از سال ۱۳۶۱ به بعد، انسجام سیاسی و اجتماعی را می‌توان در ساخت دولت ایران مشاهده کرد. درحالی‌که از سال ۱۳۶۸ به بعد، می‌توان نشانه‌هایی از تفاوت و تمایز در بین آموزه‌های سیاسی دولت هاشمی، خاتمی، احمدی‌نژاد و روحانی مشاهده کرد. اگرچه بین جریان‌های سیاسی دهه ۱۳۶۰ تفاوت‌های بنیادین با یکدیگر وجود داشته است، اما ساخت دولت ایران به‌گونه‌ای بوده که از قابلیت لازم برای ایجاد انسجام بین جناح‌های مختلف سیاسی برخوردار بود.

بسیاری از ویژگی‌های مربوط به «دولت قوی» که مبتنی بر نشانه‌هایی از انسجام اجتماعی است، در ساخت دولت در ایران دهه ۱۳۶۰ مشاهده می‌شود. نظریه‌پردازانی همانند ملوچی و تیلی در مطالعات خود به این موضوع اشاره دارند که عوامل ساختاری و ایدئولوژیک از قابلیت لازم برای ایجاد انسجام بین جناح‌های سیاسی جهت شکل دادن به دولت جدید برخوردار است. در نتیجه می‌توان رقابت جناح‌های سیاسی که منجر به سیالیت گفتمانی و تحول در ساخت و کارکرد دولت در ایران می‌شود را براساس مؤلفه‌های رابطه‌گرایی، نظریه ترکیبی و رهیافت ساختی - کارکردی تبیین نمود (زاهد، ۱۳۸۹: ۳۶۵).

1. Temporality
2. Possibility
3. Freedom

۶-۲. عملگرایی تاکتیکی و راهبردی در دوران دفاع مقدس

هرگاه نظام‌های سیاسی با نشانه‌هایی از تهدید روبه‌رو شوند، زمینه برای جلوه‌هایی از کنش تعاملی به وجود می‌آید. عملگرایی را می‌توان یکی از نشانه‌های اصلی کنش ارتباطی براساس نشانه‌هایی از تعادل دانست. عملگرایی به‌عنوان یکی از شاخص‌های مدیریت راهبردی کشورهای انقلابی محسوب می‌شود. لنین در سال ۱۹۲۱ نظریه «سیاست اقتصادی جدید» را براساس آموزه‌های عملگرایانه تبیین نمود. رهبران انقلابی با چالش‌های سیاسی و اقتصادی زیادی روبه‌رو می‌شوند که ناچار خواهند بود تا از سازوکارهای عملگرایانه برای تحقق اهداف بوروکراتیک استفاده کنند.

وجود چنین نیروهایی را می‌توان در زمره عوامل تحول‌گرایانه دولت پس از پیروزی انقلاب اسلامی دانست. هرگونه کنش راهبردی کشورها نیازمند بهره‌گیری از سازوکارهای گفتمانی و الگوی کنش ساختاری خواهد بود. در نگرش آبراهامیان، کارگزاران سیاسی ایران از الگوی عملگرایانه برای اداره امور راهبردی بهره گرفته‌اند. در دوران جنگ تحمیلی، مقاومت و رویارویی در برابر تهاجم صدام حسین در زمان محدودی به گفتمان دفاع مقدس تبدیل شد. گفتمانی که می‌تواند در قالب مباحث نظریه‌پردازانی همانند لاکلائو به‌عنوان «انعکاس‌های مربوط به تحول انقلابی زمانه ما» بیان شود.

۷. هویت اجتماعی و دفاع مقدس

ساختار اجتماعی ایران در دوران دفاع مقدس تابعی از شکل‌بندی‌های اجتماعی کشور در سال‌های دهه ۱۳۵۰ می‌باشد. در این دوران تاریخی نشانه‌هایی از «توسعه و تضاد» در محیط اجتماعی، شکل‌بندی اقتصادی، لایه‌ها، طبقات و منزلت اجتماعی جامعه به وجود آمد. انقلاب اسلامی ایران را می‌توان به‌عنوان واکنشی در برابر تضادهای نهفته اجتماعی دانست. در سال‌های بعد از پیروزی انقلاب اسلامی، برخی از شکاف‌های اجتماعی تشدید شده و زمینه ظهور تضادهای نوینی را به وجود آورد.

جنگ تحمیلی نه تنها ساختار اجتماعی ایران را تحت‌تأثیر قرار داد، بلکه مقوله جنگ الهام‌گرفته از فرآیندها و تحولات اجتماعی ایران بوده که قابلیت کنترل محدودی داشته است. به‌طور کلی می‌توان به این موضوع اشاره داشت که هرگونه شکل‌بندی ساخت اجتماعی تحت‌تأثیر فرآیند دفاع مقدس بازتولید شده و الگوی جدیدی از کنش را در لایه‌های اجتماعی، گروه‌های شهروندی، مجموعه‌های هویتی و فضای مربوط به مشروعیت‌یابی ساختاری فراهم می‌سازد.

۷-۱. پیوند هویت دینی، ملی و آرمانی در دوران دفاع مقدس

انقلاب اسلامی و دفاع مقدس بخشی از سرنوشت و هویت ملت ایران در چهار دهه اخیر است و بر اساس این دو رویداد کلان تاریخی - حماسی، امام خمینی (رحمه الله علیه)، اسلام، عاشورا، شهادت، آرمان شهر، استقلال، آزادی، صلح، عدالت و برابری در زمره باورها و ارزش‌های استقلال از استکبار و رهایی از استبداد و تجاوز خارجی جمهوری اسلامی ایران است. هر یک از این سرفصل‌های محتوایی و ارزشی می‌تواند به تنهایی هسته مرکزی بسیاری از سرفصل‌های آموزش و پرورش را شکل دهد و در رشد مهارت‌های شناختی، عاطفی و اجتماعی دانش‌آموزان کشور مؤثر باشد. بر این اساس باید انقلاب اسلامی و دفاع مقدس، سهمی ارزنده در بالندگی آموزش و پرورش کشور داشته باشند زیرا ارزش‌ها و باورهای انسانی، اسلامی و ایرانی در حد اعلای خود در منظومه انقلاب اسلامی و دفاع مقدس تبلور یافته است (زارع برمی، ۱۳۹۷: ۵۵).

مذهب تشیع دارای مفاهیم و نمادهایی است که در جریان انقلاب اسلامی با ارائه قرائت‌های انقلابی، تبدیل به ایدئولوژی مسلط در بسیج نیروهای مردمی شد. اعتقادات خاص شیعه در زمینه عدالت اجتماعی، سیره و زندگی ائمه اطهار (علیهم السلام) و تأثیر آن بر زندگی روزمره جامعه، تأثیر قیام و شهادت امامان معصوم (علیهم السلام) و استمرار تاریخی آن در هویت دینی و جمعی ایرانیان و توانایی تغییر ایدئولوژیک در مذهب تشیع به دلیل وجود عناصری نظیر ایثار و شهادت‌طلبی، غیبت، انتظار، مهدویت و مانند آن، از جمله مهم‌ترین عوامل برجسته بودن مذهب تشیع در فرآیند شکل‌گیری ایدئولوژی انقلاب اسلامی است.

۷-۲. آرمان عاشورایی و حماسه دفاع مقدس

نگاه به واقعه کربلا از یک گریستن انفعالی خارج و کربلا به یک دفاع حماسی واقعی برای تحقق ایده‌های آرمانی امام حسین (علیه السلام)، تبدیل و تعهد به این ایده‌ها از حالت فردی خارج شد و ماهیتی اجتماعی یافت. امام علی (علیه السلام) نیز نماد تأسیس حکومت عدل در نظام سیاسی آرمانی تلقی شد. تغییر در ساختار نظریه انتظار ظهور منجی موعود، از دیگر جنبه‌های این تغییرات به شمار می‌رود (اردستانی، ۱۳۷۳: ۱۲۱).

نکته مهم در این بین، تغییرات محسوسی است که در رهیافت‌های عملی نمادهای تشیع در ایران به وجود آمد. انتخاب جهاد، شهادت و جانبازی برای اهداف اسلام و انقلاب به علت اعتقاد به زندگی

برتر ماورای مادی ممکن می‌شود و در نهایت، درجه و اوج ایثارگری و فداکاری مردم در انقلاب اسلامی و دفاع مقدس با دیگر انقلاب‌ها و نبردهای نظامی روشن می‌شود (پناهی، ۱۳۸۵: ۶۴).

این چنین است که فرد مسلمان، جان باختن در راه اهداف متعالی اسلام را نه تنها غیرعقلانه تلقی نمی‌کند، چنان که نظریه‌های فایده‌گرا مطرح می‌کنند بلکه آن را عقلانه‌ترین انتخاب موجود می‌داند؛ انتخابی که در آن، فرد وارد معامله با خدا می‌شود که در قبال جهاد و شهادت در راه خداوند و اسلام، بهشت و زندگی جاودانه را نصیب خود می‌کند (Olson, 1977: 2).

دفاع مقدس خود نیز عامل ایجاد ارزش‌های ویژه‌ای بود. مبارزه با کفار و استکبار، ایثار و از خودگذشتگی در راه اعتلای ارزش‌های اسلامی و تلاش برای ارتقای نقش جهان اسلام، برجسته شدن نقش مهدویت در جامعه، فرهنگ شهادت و حراست از سرزمین اسلامی ایران، از جمله ارزش‌هایی بودند که با ادغام در ارزش‌های انقلاب، مجموعه‌ای درهم‌تنیده، منسجم و پیچیده از ارزش‌های متعلق به ایدئولوژی دفاع مقدس را پدید آوردند. به این ترتیب می‌توان جنگ تحمیلی را یکی از عوامل اصلی بازتولیدکننده ایدئولوژی انقلاب اسلامی دانست که زیرساخت‌های هویت و مقاومت را شکل داده است.

۳-۷. یکپارچگی و بسیج اجتماعی در دوران دفاع مقدس

«ژان بشلر» در پاسخ به این سؤال که ایدئولوژی به چه درد می‌خورد، کارکردهای مختلف ایدئولوژی را برمی‌شمارد که شامل صف‌آرایی یا جبهه‌گیری، توجیه پرده‌پوشی، موضع‌گیری و دریافت یا ادراک است. کارکرد صف‌آرایی یا جبهه‌گیری سبب جدا کردن صف‌های دوست و دشمن به وسیله طرح نشانه‌ها، نمادها، شعارها و علائم دیگر می‌شود تا اعضای جنبش به راحتی دوست و دشمن خود را شناخته و صف خودی را از غیرخودی جدا کنند. این کار، سبب تسهیل فداکاری و ایثارگری برای خود و پرخاشگری برای غیرخودی است (بشلر، ۱۳۷۰: ۶۵).

«جیمز بیل» در تحلیل خود از دفاع مقدس می‌گوید: «مردم ایران در مبارزه برای دفاع از کشور، مذهب، رهبر و انقلاب بارها تمایل خود را به آخرین حد از ایثار یعنی پذیرش مرگ در صورت لزوم نشان داده‌اند. در این مفهوم فرهنگی، قدرت گذشتن از جان خود، گاهی اوقات می‌تواند توانا تر از قدرت کشتن باشد» (بیل، ۱۳۶۷: ۴۲۰).

پس از انقلاب، تزلزلی اساسی در ارزش‌های حاکم بر نظام اجتماعی پیش از انقلاب به وجود آمد. این تزلزل سبب دگرگونی‌های اساسی در ارزش‌های جامعه شد. به‌عنوان مثال، طبقه مرفه و اشرافی، طبقه غیرمذهبی، طبقه فرهنگی متمایل به غرب و روشنفکران غرب‌گرا بر اثر وقوع انقلابی اسلامی با چالش‌های اساسی مواجه شدند و در مقابل، طبقاتی در جامعه رشد کردند و ارزش یافتند که دقیقاً ویژگی‌های خلاف طبقات ذکر شده را دارا بودند و به دنبال آن، تغییر و تحول در ارزش‌های فرهنگی و هنری ایران بروز کرد. تمامی تغییر و تحولات در گفتمان و ساختار فکری جامعه در دوران جنگ تحمیلی رژیم بعث عراق علیه ایران نقش تعیین‌کننده داشته است (سازگارا، ۱۳۷۷: ۱۲۷).

نتیجه‌گیری

یکی از ویژگی‌های اصلی دفاع مقدس را می‌توان در گسترش مشارکت عمومی شهروندان مشاهده کرد. هویت ایرانی در این دوران بر اساس هویت مقاومت و هویت مقابله با دشمن معنا پیدا می‌کرد. در جنگی که از طرف رژیم بعث عراق و حامیان بین‌المللی آن بر ایران تحمیل شد، ملت ایران متحمل صدمات جانی، روحی و اقتصادی فراوان شدند اما لحظه‌ای از دفاع در برابر دشمن و مقابله با او یا پس نکشیدند. اکثریت قریب به اتفاق گروه‌های سیاسی کشور نیز طی اعلامیه‌ها و اطلاعیه‌های گوناگون، هواداران خویش و عموم مردم را به مقاومت در برابر این تهاجم فراخواندند و مقابله در برابر مهاجم را وظیفه‌ای مقدس اعلام کردند.

ایجاد پناهگاه را می‌توان در زمره یکی از اصلی‌ترین شاخص‌ها و حوزه‌های مربوط به حمایت فیزیکی از شهروندان دانست. پناهگاه یکی از شاخص‌های اصلی و بنیادین ایمنی اجتماعی محسوب می‌شود. در دوران جنگ ایران و عراق، صدام برای کاهش اراده اجتماعی ایران از سازوکارهای حمله مستقیم به شهروندان بهره گرفت. اندیشه صدام معطوف به ایجاد اضطراب در اذهان عمومی شهروندان بوده تا از این طریق مشکلات دولت را افزایش دهد.

یکی از شاخص‌های بنیادین فرهنگ راهبردی دفاع مقدس، سازوکارهای مقاومت در برابر تهدیدات بوده است. «فرهنگ راهبردی» از متغیرهای کلیدی در تعیین سرنوشت سیاست‌ها و برنامه‌های دفاعی دولت‌ها است. پیروزی در جنگ مستلزم بهره‌برداری هوشمندانه از پتانسیل‌های فرهنگ راهبردی است. برای مثال، تحریک ابعاد تهاجمی فرهنگ راهبردی با وجود اینکه ممکن است موفقیت‌های تاکتیکی به دنبال داشته باشد، اما تضمین‌کننده پیروزی نهایی نیست.

در دوران دفاع مقدس زمینه برای رشد بیگانه‌ستیزی به وجود آمد. بیگانه‌ستیزی ماهیت فرهنگی و ژئوپلیتیکی دارد. به هر میزان کشورها از پیشینه تاریخی قوی‌تری برخوردار باشند، به همان میزان آمادگی بیشتری برای مقابله با تهدیدات خواهند داشت. جوهره و محرک اصلی فرهنگ راهبردی ایران در طول جنگ تحمیلی، همان بیگانه‌ستیزی و استقلال‌طلبی بود که با انقلاب اسلامی جلوه‌ای تهاجمی و انقلابی پیدا کرد.

اعتقاد به اینکه استقلال ضرورت حیاتی کشور است و دخالت بیگانگان مانع اصلی در برابر آن می‌باشد، ریشه‌های عمیقی در تاریخ ایران دارد که بخصوص تحولات دو و نیم سده اخیر در این زمینه بسیار اثرگذار بوده است. از آغاز دوره قاجاریه تا بحال، استقلال و امنیت ملی ایران، مثل بسیاری از کشورهای استعمارزده و در حال گذار با دو چالش اساسی مواجه بوده است. از جمله مواردی که تأثیر خود را در فرهنگ سیاسی بیگانه‌ستیزی ایران به جا گذاشته، موضوعاتی همانند مداخله قدرت‌های بزرگ، تهدیدات دائمی و گسست‌های اجتماعی ناشی از اقدامات تهاجمی بازیگران بین‌المللی بوده است.

بخش قابل توجهی از مشارکت گروه‌های اجتماعی مبتنی بر قالب‌های هویتی و ارزشی بوده است. در این فرآیند، اعتقادات قلبی قوت و نیرومندی به گروه‌های اجتماعی مشارکت‌کننده در دفاع مقدس می‌بخشید، با شجاعت تمام به نبرد با دشمن می‌پرداختند و با روحیه فوق‌العاده قوی و انگیزه جهاد در راه خدا به ایثار و فداکاری قیام می‌کردند و تا پای جان در برابر متجاوز دفاع کرد، استقامت می‌کردند. در دفاع مقدس همه مفاهیم نظامی از نمادها، سمبل‌ها و ارزش‌های دینی و اعتقادی الهام می‌گرفت، عملیاتی می‌شد و عمومیت پیدا می‌کرد.

مفاهیم و ادبیات دینی نه تنها در حوزه اجتماعی بلکه بخشی از فضای کنش ارتباطی رزمندگان محسوب می‌شد. از اسم شب تا اسامی تقسیمات نظامی و یگان‌ها از رمز عملیات‌ها تا نام آنها، از نام مقرها تا عنوان سلاح‌ها، از تابلو نوشته‌ها در مسیر تردد تا پیشانی‌بندها، از نوشته‌های روی لباس رزمندگان تا وصیت‌نامه‌ها همه و همه ملو از بار ارزشی و ملهم از آموزه‌های دینی و اعتقادی بود. شعارها، نوحه‌ها، عزاداری‌ها، سینه‌زنی‌ها همه آکنده از رنگ و بوی معنویت و قالب‌های ارزشی بوده است.

همگانی شدن، شمول جمعیتی، گستره جغرافیایی و آرمانی دفاع مقدس همان‌گونه که در پیروزی انقلاب اسلامی نقش اساسی داشته و به عنوان یکی از ویژگی‌های منحصر به فرد انقلاب بوده است، در پیروزی دفاع مقدس نیز ظهور و بروز داشته است. فرمان بسیج که توسط امام خمینی

(رحم‌الله علیه) داده شده بود، با شروع جنگ تحمیلی و در روند آن، به واقع محقق شد و شکل عملی و واقعی به خود گرفت. همه اقشار ملت را به صحنه مقابله با دشمن آورد. کارگر و کارمند، شهری و روستایی، معلم و دانش‌آموز، طلبه و دانشجو، زن و مرد، پیر و جوان همه و همه را در کنار هم و در بطن دفاع مقدس و در اختیار و در کنار سپاه و سایر نیروهای مسلح قرار داد.

در نهایت می‌توان موضوع مربوط به فرآیند بهینه‌سازی کنش تاکتیکی را در محیط عملیاتی و نتایج جنگ مشاهده نمود. کنش تاکتیکی ایران ماهیت اجتماعی و ساختاری داشته است. موضوعاتی همانند برنامه‌ریزی و طراحی‌های صحیح و استفاده بهینه از ظرفیت‌های موجود، نقش مؤثری در تداوم مقاومت داشته است. برنامه‌ریزی تاکتیکی برای مقابله با کنش تهاجمی دشمن نیز به خوبی انجام گرفت. در این ارتباط، گروه‌های نظامی نه تنها در فضای کنش تدافعی قرار داشتند، بلکه از سازوکارهای مربوط به شناخت و کنترل تهدیدات دشمن نیز بهره گرفتند.

سازوکارهای کنش تاکتیکی همانند شناسایی و کسب اطلاع دقیق از دشمن و به کار بردن تجربیات گذشته، داشتن روحیه انقلابی و انگیزه قوی دینی و شهادت‌طلبی، به کار بردن ابتکارات و نوآوری‌ها با حضور گسترده و استفاده از ظرفیت نیروهای بسیجی و داوطلب، کاهش اختلافات و تنش‌های سیاسی در کشور و افزایش همکاری و همدلی بین لایه‌های مختلف اجتماعی، نظامی و راهبردی حاصل شد. نهادهای نظامی نیز برای مقابله با تهدید، از سازوکارهای همکاری اجتماعی بهره گرفته و زمینه مقاومت اجتماعی شده به وجود آمد.

منابع

- اردستانی، حسین (۱۳۷۳). «برخی ارزش‌ها و ثمرات جنگ تحمیلی»، مندرج در مجموعه مقالات جنگ تحمیلی، تهران: دانشکده فرماندهی و ستاد.
- اینگله‌هارت، رونالد (۱۳۸۲). تحول فرهنگی در جوامع پیشرفته صنعتی، ترجمه مریم وتر، تهران: انتشارات کویر.
- بدیع، برتران و پی‌یر بیرن‌بوم (۱۳۸۷). جامعه‌شناسی دولت، ترجمه احمد نقیب‌زاده، تهران: نشر قومس.
- بشلر، ژان (۱۳۷۰). ایدئولوژی چیست؟ نقدی بر ایدئولوژی‌های غربی، ترجمه علی اسدی، تهران: شرکت سهامی انتشار.
- بیل، جیمز (۱۳۶۷). «جنگ، انقلاب و روحیه، قدرت ایران در جنگ خلیج فارس»، مندرج در مجموعه مقالات بازشناسی جنبه‌های تجاوز و دفاع، جلد ۲، تهران: دبیرخانه کنفرانس بین‌المللی تجاوز و دفاع.
- پناهی، محمدحسین (۱۳۸۵). «ارزش‌های جهاد و شهادت در شعارهای انقلاب اسلامی»، فصلنامه علوم اجتماعی، شماره ۲۹.
- رفیع‌پور، فرامرز (۱۳۷۷). توسعه و تضاد، تهران: شرکت سهامی انتشار.
- زارع‌برمی، مرتضی (۱۳۹۷). «انقلاب اسلامی و دفاع مقدس در نظام آموزشی کشور»، فصلنامه مطالعات دفاع مقدس، دوره ۴، شماره ۲، تابستان.
- زاهد، سعید، (۱۳۸۹). جنبش‌های سیاسی معاصر ایران، تهران: نشر طه.
- زونیس، ماروین (۱۳۸۷). روانشناسی نخبگان سیاسی ایران، ترجمه پرویز صالحی، سلیمان امین‌زاده و زهرا لبادی، تهران: انتشارات چاپخش.
- سازگارا، پروین (۱۳۷۷). نگاهی به جامعه‌شناسی با تأکید بر فرهنگ، چاپ اول، تهران: نشر کویر.
- فاطمی، داود و عباس اسلامی فارسانی (۱۳۹۷). «ارزیابی نظام ارزش‌های جامعه در دوران دفاع مقدس و دوران کنونی» فصلنامه مطالعات دفاع مقدس، دوره ۴، شماره ۲، تابستان.
- کدی، نیکی (۱۳۶۹). ریشه‌های انقلاب ایران، ترجمه دکتر عبدالرحیم گواهی، تهران: انتشارات قلم.
- کدی، نیکی (۱۳۸۳). نتایج انقلاب ایران، ترجمه مهدی حقیقت‌خواه، تهران: انتشارات ققنوس.
- لفت‌ویچ، آدریان (۱۳۸۵). دولت‌های توسعه‌گرا، ترجمه جواد افشار کهن، مشهد: انتشارات مرندیز.
- موتقی، احمد (۱۳۸۷). دین جامعه و دولت در ایران، تهران: انتشارات موسسه تحقیقات و توسعه علوم انسانی.
- هریس، کوان (۱۳۹۸). انقلاب اجتماعی؛ سیاست و دولت رفاه در ایران، ترجمه محمدرضا فدایی، تهران: انتشارات شیرازه.
- Amuzegar, J. (1992), "The Iranian economy before and after the revolution", The Middle East Journal, No. 46, Vol. 3, Summer.
- Dorraj, Manuchehr, (1990), "From Zarathustra to Khomeini; Populism and Dissent in Iran", London: Lynne Renner Publisher.

- Laclau, Ernest, (1990), "New Reflections on the Revolution of our Time", London: Verso Publication.
- Olson, Mansur (1977), "The Logic of Collective Action": Public Goods and the Theory of Groups, Harvard University Press, and Cambridge.
- Schwartz, Shalom H & Stacie, Galit (2000), "Value Consensus and Importance": A Cross National Study, journal of Cross Cultural Psychology.
- Schwartz, Shalom H (1994), "Toward Explanations of National Differences in Value Priorities", congress of Interamerican Society of Psychology.